



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Criminal Liability of Terrorist Organizations in International Criminal Law and the Defense of Victims' Rights

Marzieh Mohammadi^{*1}, Reza Nikkhah², Mohammad Hassan Javadi²

Received:

18 Jan 2023

Revised:

24 Mar 2023

Accepted:

03 May 2023

Available Online:

22 Jun 2023

Keywords:

Legal Foundations, Composition Agreement, Afghan Law, Principle of Expedition (or Principle of Speed), Commercial Security.

Abstract

In light of the increasing expansion of terrorist activities in recent years—particularly the terrorist attacks of September 11, 2001, and the terrorist movements in recent years in the Middle East, especially in Iraq and Syria—it appears necessary to further regulate this social, political, and military phenomenon and respond to it appropriately. International crimes, at different periods of time, have possessed distinct concepts and dimensions and have continuously evolved. Accordingly, it is essential for the United Nations Security Council, by drawing upon the teachings of Islamic law in addressing terrorism through criminal measures, to exercise its mandate in maintaining international peace and security by establishing ad hoc and special tribunals to adjudicate terrorist crimes. Through the development of international judicial practice in prosecuting terrorists, this approach could pave the way for a serious and continuous fight against terrorism, ultimately facilitating its incorporation into the Statute of the International Criminal Court. This article, while examining the criminal liability of terrorist organizations in international criminal law and the protection of victims' rights, and after addressing various questions concerning the criminal punishment of international organizations, concludes that no concrete step has yet been taken to demonstrate that international terrorism is independently subject to international criminal law. Much of the discussion in this regard remains theoretical, and there is a need to establish criminal sanctions for international terrorist organizations.

1 ^{*}M.A. in Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran. (Corresponding Author)

2 Associate Professor in Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

Please Cite This Article As: Mohammadi, M; Nikkhah, R & Javadi, MH (2025). "Criminal Liability of Terrorist Organizations in International Criminal Law and the Defense of Victims' Rights". *Interdisciplinary Legal Research*, 4(2): 29-40.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۲۹-۴۰)

مسئولیت کیفری سازمان‌های تروریستی در حقوق جزای بین‌الملل و دفاع از حقوق قربانیان

مرضیه محمدی^{۱*}، رضا نیکخواه^۲، محمدحسن جوادی^۲

۱. کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. دانشیار فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۴ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

چکیده

باتوجه به گسترش فزاینده اقدامات تروریستی در سال‌های اخیر، بالاخص وقوع اقدام تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تحرکات تروریستی سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه کشورهای عراق و سوریه به‌نظر می‌رسد بایستی این پدیده اجتماعی، سیاسی و نظامی را هرچه بیشتر تحت نظم و قاعده در آورده و در قبال آن واکنش نشان داد. جنایت بین‌المللی در هر برهه‌ای از زمان، مفهوم و ابعاد خاصی داشته و در حال تحول بوده که لازم است شورای امنیت با بهره‌برداری از آموزه‌های دین اسلام در برخورد کیفری با تروریسم، در اجرای صلاحیت خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، برای رسیدگی به جنایات تروریستی، دادگاه‌های موردی و خاص را تأسیس کند و از این راه، با ایجاد رویه قضایی بین‌المللی در تعقیب تروریست‌ها، مسیر مبارزه جدی و مستمر با تروریسم را، با الحاق آن به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هموار سازد. مقاله حاضر به ضمن بررسی مسئولیت کیفری سازمان‌های تروریستی در حقوق جزای بین‌الملل و دفاع از حقوق قربانیان و پس از پاسخگویی به سؤالات مختلف در زمینه مجازات کیفری سازمان‌های بین‌المللی این‌گونه نتیجه‌گیری شده که تاکنون قدمی برداشته نشده که حاکی از این باشد که تروریسم بین‌المللی مستقلاً مشمول حقوق بین‌الملل کیفری است و آنچه در این ارتباط بیشتر مطرح می‌شود، بحث‌های نظری بوده و باید برای سازمان‌های بین‌المللی تروریستی مجازات کیفری تعیین شود.

کلمات کلیدی: تروریسم، حقوق بین‌الملل کیفری، سازمان‌های تروریستی، حقوق ایران.

مقدمه

تروریسم بین‌المللی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، سیاسی، نظامی می‌باشد که علی‌رغم عدم وجود تعریفی واحد از آن، می‌توان آن را به‌طور کلی براساس مؤلفه‌های بارز آن تبیین نمود. امروزه پدیده تروریسم به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امنیتی ملت‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان تبدیل شده و رواج آن منحصر به منطقه یا دولت‌های خاصی نیست. موضوع اصلی حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل، جنایات بین‌المللی است که اقدامات زیان‌بار برای نظم عمومی بین‌المللی را جرم‌انگاری نموده و مرتکبین این اقدامات رامجازات می‌نماید. بنابراین حقوق بین‌الملل کیفری می‌تواند تأمین‌کننده ضمانت اجرای کیفری باشد. متأسفانه در زمینه مجازات کیفری سازمان‌های تروریستی بین‌المللی خصوصاً در کشورهای همچون عراق و سوریه حقوق بین‌الملل کیفری پویایی خاصی به خرج نداده و علی‌رغم این‌که اتاق فکر کشورهای استکباری گروهک‌های تروریستی متعددی را تأسیس و پشتیبانی نموده و این گروهک‌ها اقدامات وحشتناکی را در منطقه خاورمیانه به نمایش گذاشته‌اند، عملکرد خاصی را در مجازات این گروهک‌ها انجام نداده است، فلذا به‌نظر می‌رسد که در این مقوله، جای فرهنگ اسلامی در مجازات کیفری تروریست‌ها خالی بوده و محاکم بین‌المللی باید بیشتر به آموزه‌های اسلامی نظر داشته باشد. هر پدیده جنایی با ایجاد ناامنی در جامعه، ترس را بر افراد مستولی کرده و امنیت فردی و اجتماعی را به خطر می‌اندازد. ازاین‌رو، نظام کیفری به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادها و آیین‌های معقول جامعه، برای بیان واکنش علیه جرم و بزهکاری، مداخله می‌کند تا ضمن بازگشت امنیت ازدست‌رفته و نظم ازهم‌گسیخته اجتماع، آرامش خاطر را جایگزین ترس از جرم کند. بنابراین شناسایی و تبیین حقوق و قواعد قابل اعمال در مقابله با هر پدیده جنایی، مستلزم شناخت و تعریف دقیق آن پدیده است که این الزام درخصوص پدیده تروریسم، اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا امروزه، نه‌تنها آسیب‌پذیری دولت‌ها نسبت به این پدیده افزایش یافته، بلکه به‌ویژه پس از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حملات گروهک‌های تروریستی در عراق و سوریه و آثار قابل ملاحظه آن در نظام حقوق بین‌الملل کیفری و همچنین واکنش‌های فراحقوقی دولت بزه‌دیده، آشکار شد که تروریسم بین‌المللی به‌سادگی قادر به تخریب نظم و ثبات بین‌المللی است. این درحالی است که ناتوانی دولت‌ها در نیل به تعریفی مشترک از تروریسم، چالشی بزرگ در برابر طرح ملی و بین‌المللی مقابله با

تروریسم به‌شمار می‌رود. با این حال، ضمن گسترش روزافزون اقدامات تروریستی طی سال‌های اخیر، مذاکرات حقوقی بسیاری، ازقبیل بررسی دقیق سازوکارهای حقوقی موجود در حقوق بین‌الملل کیفری برای واکنش به چنین اقداماتی صورت گرفته است. مع‌ذلک، با این‌که جرم‌انگاری تروریسم به‌عنوان جرم ضدبشری در پی مبارزه کیفری، مذاکرات بسیاری را به‌همراه داشته، اما از سوی دیگر این ادعا وجود دارد که می‌توان اقدامات تروریستی را به‌عنوان جرم جنگی طبقه‌بندی کرد. این درحالی است که می‌توان اذعان نمود اقدامات تروریستی، به‌طور بالقوه، در حیطه تعریف جرم نسل‌کشی قابل ملاحظه هستند. جرم‌هایی در کشورهای همچون عراق و سوریه صورت می‌پذیرد و باید اعتراف کرد که مجازات کیفری برای عاملین آن از طریق محاکم بین‌المللی تعریف نشده و باید نگاهی جدید در مورد مجازات کیفری این قبیل سازمان و گروهک‌ها تعرف شود. جرم تروریسم به‌عنوان جرم ضدبشری در قالب جرم بین‌المللی و مجازات کیفری سازمان‌های تروریستی، محور اصلی مورد بررسی در این نوشتار است که تصریح به آن پس از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آشکار شد. لازم به‌ذکر است به‌منظور تشخیص این‌که آیا می‌توان جرم‌انگاری تروریسم را به‌عنوان جرم ضدبشری قلمداد کرد، باید از همان ابتدا واکنش نسبت به تروریسم را به‌عنوان «جرم مستقل»، از واکنش در قبال «اشکال و مظاهر خاص تروریسم» تفکیک نمود. این مقاله در پی آن است که پس از روشن‌نمودن مفهوم و جایگاه تروریسم در حقوق بین‌الملل، تروریسم را از پرتو حقوق بین‌الملل کیفری مورد بررسی قرار دهد تا مشخص نماید که تروریسم به‌عنوان جنایت بین‌المللی وابسته (در قالب سایر جنایات بین‌المللی) یا فی‌نفسه می‌باشد.

۱- انواع مسئولیت‌ها در مقابله با تروریسم

۱-۱- مسئولیت اشخاص حقوقی در قالب گروه‌ها و سازمان‌های

تروریستی

سازمان‌های تروریستی و گروه‌های تروریستی به‌عنوان اشخاص حقوقی در قبال اعمال خود مسئولیت‌هایی را برعهده داشته که حقوق داخلی هریک از کشورها موازین مختص به خود را جهت برخورد با این سازمان‌های تروریستی مد نظر قرار داده است که در ادامه به‌صورت مفصل به تبیین موضوع مذکور خواهیم پرداخت.

۱-۲- مسئولیت دولت‌ها در اعمال تروریستی

دولت آمریکا به تروریست بودن این گروه‌ها معترف است» (دولتشاهی، ۱۳۸۷: ۷۸).

۳- مسئولیت دولت‌ها به‌عنوان مباشر تروریسم

۳-۱- معنای تروریسم دولتی

همان‌گونه که برخی حقوق‌دانان تصریح نموده‌اند، یکی از عوامل مؤثر در رشد تروریسم، دخالت دولت‌ها در امر تروریسم است که به اشکال گوناگونی صورت می‌گیرد. پس از فروپاشی شوروی و برهم‌خوردن موازنه سیاسی در دنیا، گاه تروریسم از جانب دولت‌هایی برای پیشبرد اهداف سیاسی یا برای احقاق حقوق خود که بدون پشتوانه باقی مانده، صورت می‌گیرد. در این زمینه گاهی دولت‌ها به‌صورت مستقیم در امر تروریسم دخالت می‌کنند که به آن، تروریسم دولتی می‌گوییم (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۰۶).

۴- بررسی شناسایی مسئولیت مدنی و کیفری برای دولت‌ها

دولت‌ها به‌عنوان مباشرت در عملیات تروریستی نیز می‌توانند مسئولیت داشته باشند که این مسئولیت در ضعیف‌ترین حالت می‌تواند در قالب جبران خسارت باشد که در برخی مراجع بین‌المللی، مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، ممکن است بر ضد دولت مباشر تروریسم مقرر شود. برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت، چهار شرط در حقوق بین‌المللی مقرر شده است: ۱- نقض یک تعهد بین‌المللی و به تعبیر دیگر انجام‌دادن یک عمل نامشروع؛ ۲- تحقق ضرر؛ ۳- وجود رابطه سببیت بین نقض تعهد و ضرر؛ ۴- قابلیت انتساب عمل زیان‌آور به یک ارگان مسؤول دولتی، اما درخصوص مسئولیت دولت به‌دلیل جرایم ارتكابی اشخاص خصوصی، اگرچه پیش از این در دکنترین حقوق بین‌الملل، نظر این بود که دولت‌ها در صورت قصور، مسؤول هستند، اما اکثریت قاطع علمای جدید حقوق بین‌الملل، در حال حاضر بر این باورند که عمل اشخاص خصوصی از نظر حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت نیست و بدین عنوان، عمل دولت که ممکن است موجب مسئولیت در قبال دولت‌های دیگر باشد، به‌شمار نمی‌آید.

اعمال افراد یا شرکت‌های خصوصی که زبانی از آن به دولت‌های خارجی یا اتباع یا نمایندگان آن‌ها وارد شده باشد، غالباً زمینه‌ای برای ارتکاب عمل نامشروع از سوی دولت فراهم می‌آورد، ولی همین عمل نامشروع صادر از ارگان‌های دولتی است که قابل انتساب به دولت است و اعمال افراد فقط زمینه و انگیزه برای آن محسوب می‌شود. دولت از نظر بین‌المللی فقط مسؤول فعل یا

گروهک‌های جنایتکاری که علیه ملت‌ها اسلحه می‌کشند، نه تنها از پایگاه اجتماعی و حمایت‌های مردمی برخوردار نیستند، بلکه هیچ‌گونه منابعی درآمد روشنی در اختیار ندارند، پس این سؤال مطرح می‌شود که منشأ تأمین مالی و تسلیحاتی آن‌ها چیست که سبب می‌شود این‌گونه سازمان‌ها در مدتی طولانی به حیات خود ادامه دهند! و هر روز نیز به گسترده فعالیت‌های خود بیفزایند. عبدالله سمایی در تعریف تروریسم دولتی به «حمایت» می‌گوید: «پدیده تروریسم اساساً ریشه در سیاست‌های کلان برخی دولت‌ها دارد که منافع خود را در استعمار و سلطه بر دیگر کشورها تعریف کرده‌اند. این موضوع که اساس شروع فعالیت گروهک‌های تروریستی را تشکیل می‌دهد، فقط یکی از دلایلی است که ردپای کشورهای صاحب قدرت و سرمایه یا پدیده «تروریسم دولتی» را اثبات می‌کند.» وی با بیان این که تروریسم دولتی به هرگونه عمل حکومت‌ها و دولت‌های که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به حمایت و سازماندهی اقدامات و فعالیت‌های جنایتکارانه، خشونت‌بار و تروریستی در کشورهای دیگر شود، اطلاق می‌شود، می‌گوید: «زمانی که هدف‌های سلطه‌جویانه و تمامیت‌خواه برخی کشورها پایگاه قانونی ندارد و از حمایت‌های افکار عمومی برخوردار نیست و وقتی روش‌های دیپلماتیک و رایزنی‌های سیاسی جواب برخی زیاده‌خواهی‌ها و خواسته‌های ضد مردمی دولت‌های زورگو را نمی‌دهد، همچنین شرایط نظامی و سیاسی و اقتصادی نیز وقوع لشکرکشی‌های نظامی و تجاوزات جنایتکارانه را غیرممکن می‌سازد، این گروهک‌های مزدورو تروریست هستند که به پشتوانه حمایت‌های مالی و نظامی برخی از دولت‌های فاسد به میدان فرستاده می‌شوند» (دولتشاهی، ۱۳۸۷: ۴۰).

۲- تأمین امنیت تروریست‌ها

به گفته این مدرس دانشگاه، یکی دیگر از این حمایت‌ها تأمین امنیت تروریست‌هاست، درحالی که در قوانین بین‌المللی ذکر شده است که گروه‌های تروریستی نباید در هیچ کجای دنیا مکان امن برای فعالیت داشته باشند.

وی ادامه می‌دهد: «دولت آمریکا با برداشت مبتنی بر منافع خود از قواعد و حقوق بین‌المللی زمینه را برای رفت‌وآمدهای آزاد تروریست‌ها در خاکش و فعالیت گسترده در کشورهای تحت کنترل نظامی یا سرسپرده خود فراهم می‌کند و این درحالی که این گروهک‌های تروریستی در فهرست سازمان‌های تروریستی و وزارت امور خارجه دولت آمریکا قرار دارند و این یعنی خود

در رابطه با صلاحیت کیفری دولت‌ها بررسی دو اصل صلاحیت جهانی و منطقه‌ای در حقوق بین‌الملل این موضوع را به‌صورت دقیق روشن کرده که به همین دلیل مطالبی جهت تبیین موضوع مطرح گردیده است.

۵-۲- صلاحیت‌های واقعی

حاکمیت ملی همواره مهم‌ترین ارزش برای ملت‌ها بوده و حکام برای حفظ قدرت و حاکمیت خود و خطراتی که جرایم علیه امنیت می‌توانند برای حاکمیت و استقلال ایجاد نمایند، از قدیم‌الایام مقررات سختی برای برخورد با این دسته از مجرمین وضع نموده‌اند. جرایمی که ضرر و نتیجه سوء آن مستقیماً متوجه مصالح عالیه مملکتی و نهایتاً آرامش و آسایش عمومی من حیث‌المجموع می‌باشد، گرچه عواقب این قبیل جرایم، خواه ناخواه به‌طور غیرمستقیم منافع خصوصی و شخصی فرد یا افراد معینی را ممکن است به خطر بیندازد، ولی در واقع هدف و مجنی علیه مستقیم مرتکبین جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی دولت و حاکمیت است.

به عبارت دیگر در جرایمی، مانند قتل، سرقت و اتلاف مال غیر و تخریب تمامیت جسمانی و یا اموال افراد معینی مستقیماً در معرض ضرر و زیان قرار می‌گیرد و اضرار جامعه و مصالح عمومی در درجه دوم اهمیت قرار داشته و جنبه فرعی دارد، ولی در جرایم علیه امنیت عمومی حفظ استقلال و تأمین مصالح عمومی در درجه اول اهمیت قرار دارد. به دلایل فوق و اهمیت و خطر فراوان جرایم علیه امنیت دولت‌ها گاهی از اصول پذیرفته‌شده حقوق جزا عدول می‌کنند. طبق اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری که در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی هم به آن اشاره گردیده است، قوانین جزایی نسبت به کلیه ساکنین کشور اعم از اتباع داخلی یا خارجی قابل اجراست، ولی در خارج از سرحدات کشور نفوذ و تأثیری ندارد. طبق اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری قاضی دادگاه صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایمی را دارد که در خاک ایران به ارتکاب رسیده است. آری مقررات حقوق جزا به دلیل ارتباط مستقیمی که با مفهوم حاکمیت ملی دارند، تنها در محدوده مرزهای یک کشور و نسبت به اعمالی که در این محدوده ارتکاب می‌یابند، اعمال می‌شوند، اما این اصل همیشه نیز یک اصل پذیرفته‌شده‌ای نیست که دولت‌ها همیشه و بدون هیچ چون و چرای خود را مکلف به تبعیت از آن نمایند!! (یعقوبی، ۱۳۷۶: ۱۰۶). این اصل در جرایم علیه مصالح عمومی کشور استثنا خورده است. دولت‌ها نسبت به مجرمینی که با برهم‌زدن امنیت ملی و

اغلب ترک فعل ارگان‌های خود است که از امکاناتشان برای پیشگیری از عمل زیان‌آور افراد یا مجازات آن، چنان‌که باید استفاده نکرده‌اند.

دولت به علت نقض تعهد حمایت از بیگانگان مسؤول است، نه به سبب اعمال افراد که ممکن است خود با مقررات بین‌المللی منافات داشته باشد، مثلاً اگر تبعه خارجی به وسیله یک فرد خصوصی به قتل رسیده باشد، دولت از نظر حقوق بین‌الملل مسؤول آن قتل به شمار نمی‌آید، بلکه فقط مسؤول قصور و اهمال در پیشگیری از آن یا مجازات قاتل است. باید یادآور شد که اکثریت عظیم آن دسته از علمای حقوق بین‌الملل که مسأله اعمال افراد در شرایط خاصی، از قبیل شورش‌ها، آشوب‌ها و تظاهرات عمومی را بررسی کرده‌اند نیز این اصل را تأیید نموده‌اند که اعمال مزبور قاتل انتساب به دولت به عنوان منبع مسؤولیت بین‌المللی نیست. رویه قضایی بین‌المللی و عملکرد دولت‌ها نیز مؤید همین نظریه است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۱۰).

۴-۱- مسؤولیت دولت‌ها به عنوان حامی تروریسم

اتهام ایران به حمایت از تروریسم، بررسی اشغال لانه جاسوسی آمریکا از سوی دانشجویان، گزارش اجمالی از تسخیر سفارت. صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ خورشیدی، شماری از دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران (دانشگاه صنعتی شریف تهران، دانشگاه پلی‌تکنیک تهران، دانشگاه ملی ایران و دانشگاه تهران) گرد هم آمدند تا در یک حرکت هماهنگ به سوی ساختمان سفارت آمریکا در تهران حرکت کنند. اعضای کمیته مرکزی تسخیر سفارت عبارت بودند از: ابراهیم اصغرزاده، محسن میردامادی، حبیب‌الله بی‌طرف، رضا سیف‌اللهی، رحیم باطنی، سعید حجاریان، معصومه ابتکار، عباس عبدی. از ۱۹ تا ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹، سیزده گروگان که زن یا سیاه‌پوست بودند، آزاد شدند. در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۰، کنسول یار ۲۸ ساله ریچارد آی. کوئین که دستگیر و به گروان گرفته شده بود، به دلیل نشانه‌های بیماری آزاد شد. ۵۲ نفر باقی‌مانده ۴۴۴ روز به عنوان گروگان در اختیار و کنترل گروه دانشجویان بودند و در نهایت در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ آزاد شدند (کوشا، ۱۳۸۱: ۹۶).

۵- انواع صلاحیت‌ها در رسیدگی به جرایم تروریستی

۵-۱- صلاحیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین‌المللی کیفری در رسیدگی به جرایم تروریستی

کشور، ایران نیز در یک اقدام متقابل، ماده واحده‌ای را به‌همراه سه تبصره با عنوان قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا در دهم آبان ۱۳۶۸ به تصویب رساند. در این ماده واحده آمده است: «به‌منظور مقابله به مثل در برابر اقدامات دولت آمریکا رئیس‌جمهور موظف است جهت دستگیری و مجازات آمریکایی‌ها عوامل مستقیم و غیرمستقیم در محاکم قضایی ایران محکوم شده‌اند، اقدامات لازم را به عمل آورند.»

براساس تبصره ۱ این ماده واحده، کشورهایی که با آمریکا در ربودن اتباع ایرانی و یا توطئه بر ضد اتباع ایران همکاری نمایند، مشمول این قانون خواهند بود. براساس تبصره ۲ این ماده واحده، صلاحیت رسیدگی به جرایم موضوع این ماده واحده در دادگاه‌های داخل کشور عنوان شده است، اما مشخص نیست که کدام دادگاه داخلی ایران صلاحیت رسیدگی دارد که براساس اصل کلی یادشده در بند پیشین، می‌توان گفت که دادگاه‌های انقلاب برای رسیدگی به این جرایم صلاحیت دارند، زیرا براساس این ماده واحده، اقدام دولت آمریکا در فرض یادشده، از مصادیق تروریستی دولتی است که عنوان قانون نیز به‌صراحت دلالت بر این مدعا دارد. از آنجا که دولت ایران تنها به‌منظور اقدام متقابل رفتار نادرست آمریکا، دست به تصویب این قانون زده است، در تبصره ۳ این ماده واحده تصریح شده است که این قانون را به‌صورت موقت مقرر نموده است و اعتبار این قانون تا زمانی که آمریکا دستور به لغو قانونی مشابه آن، که پیش از این در قوانین خود مقرر نموده است، اقدام نکرده باشد و از این جهت مشروط به رفتار متقابل آمریکاست (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

۶- رسیدگی به دعاوی جبران خسارت علیه دولت‌های خارجی حامی تروریست در دادگاه ایران

دولت آمریکا براساس قوانین خاص حمایت از قربانیان تروریسم در حقوق داخلی خود، حتی بر ضد دولت‌هایی که به تصور خود، حامی تروریسم هستند، حکم صادر می‌کند. برای نمونه، در یکی از پرونده‌های هواپیماربایی در سال ۱۹۸۴ که به حزب‌الله لبنان نسبت داده شده بود، دادگاه آمریکا دولت ایران را به‌دلیل حمایت از حزب‌الله، به پرداخت ۳۷۵ میلیون دلار خسارت به همسر و فرزند یکی از آمریکایی‌های قربانی این حادثه تروریستی محکوم کرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۹۷).

به‌موجب قوانین داخلی این کشور، این مبلغ از محل دارایی‌های بلوکه‌شدن ایران در آمریکا، به قربانیان پرداخت می‌شود. اولین

یا اقداماتی که تمامیت ارضی و استقلال کشورشان را به مخاطره بیندازند، به‌شدت مبارزه کرده و با شناختن صلاحیت کیفری به نام (اصل صلاحیت واقعی قوانین کیفری) برای خود با آن‌ها برخورد می‌کنند، هرچند که مجرمین این دسته از جرایم ایرانی نباشند، هرچند که این دسته از جرایم را در خارج از سرزمین خود انجام دهند، هرچند که از اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری فاصله بگیرند (یعقوبی، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

۳-۵- صلاحیت دادگاه‌های داخلی در رسیدگی به جرایم تروریستی در هر کشور

در بسیاری از کشورها، براساس اصل کلی، رسیدگی به اتهام‌های تروریستی، مانند سایر جرایم، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است، اما به‌دلیل اهمیت جرایم تروریستی و ارتباط آن‌ها با مسائل امنیتی، در حقوق بسیاری از کشورها در دادگاه‌های خاص، به‌ویژه دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود که این مسأله از جهات مختلف به‌ویژه از نظر مسائل مربوط به حقوق بشر، مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد و از جهتی، ممکن است برخی متهمان و مظنونان به جرایم تروریستی را که احیاناً بی‌گناه هستند، قربانی یک دادرسی غیرمنصفانه نماید (امین‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۳).

۴-۵- صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه‌های نظامی آمریکا
متهمان و مظنونان به جرایم تروریستی در آمریکا در صورتی که از شهروندان این کشور نباشند، به‌صورت شگفت‌آوری در بدترین شرایط نادیده‌انگاشتن حقوق بشر، در دادگاه‌های نظامی در داخل و خارج آمریکا و حتی بر روی ناوهای جنگی این کشور و با اختیارات وسیع این دادگاه‌ها محاکمه می‌شوند. این دسته از متهمان و مظنونان که شهروند آمریکایی نیستند، براساس دستور صریح رئیس‌جمهور سابق آمریکا، از حداقل حقوق یک محاکمه عادلانه، مانند گرفتن وکیل و حق تجدید نظرخواهی و امثال آن برخوردار نیستند، بدین ترتیب، تمام شهروندان غیرآمریکایی که متهم یا مظنون به جرایم تروریستی باشند، با این دستور جدید دولت آمریکا، خود از قربانیان تروریسم هستند (کدخدایی، ۱۳۸۷: ۲۰۴).

۵-۵- صلاحیت استثنایی دادگاه‌های ایران در مقابل با اقدامات تروریستی آمریکا

باتوجه به اقدام آمریکا در مقابله با ایران و تلاش‌های تقنینی این کشور برای توسعه صلاحیت و اختیارات دادگاه‌ها و پلیس آمریکا برای دستگیری تبعه کشورهای دیگر و محاکمه آنان در این

قانونی که در آمریکا برای توسعه صلاحیت دادگاه‌های این کشور برای رسیدگی به دعاوی جبران خسارت قربانیان تروریسم بر ضد دولت‌های حامی تروریسم وضع شد، قانون ضدتروریسم و مجازات اعدام مؤثر بود که در ۲۴ آوریل سال ۱۹۹۶ قابلیت اجرا پیدا کرد. مطابق ماده ۲۲۱ این قانون به شهروندان آمریکا و یا بازماندگان آنان اجازه داده شده است تا بر ضد دولت‌های حامی تروریسم، بابت تحمل جراحت یا مرگ در خارج از آمریکا، دعاوی خصوصی اقامه نمایند. در واقع این ماده متممی است بر دو ماده موجود در قانون مصونیت رؤسای کشورهای بیگانه که در سال ۱۹۷۶ به تصویب رسید (ممتاز، ۱۳۸۱: ۲۰۵).

در یک اقدام متقابل، دولت ایران نیز قانون مشابهی را برای مقابله با دولت آمریکا به تصویب رساند. براساس ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۸ آبان ۱۳۷۸، اتباع ایرانی می‌توانند در موارد ذیل از اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نموده باشند، در دادگستری تهران اقامه دعوا کنند. در این صورت دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است به‌عنوان عمل متقابل (البته فهرست دولت‌های مشمول عمل متقابل توسط وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضایی اعلام می‌شود) به دعاوی مذکور رسیدگی و طبق قانون، حکم مقتضی صادر نماید: ۱- خسارت ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی که مغایر با حقوق بین‌المللی باشد، ازجمله دخالت در امور داخلی کشور که منجر به فوت، صدمات بدنی و روانی و یا ضرر و زیان مالی اشخاص گردد؛ ۲- خسارات ناشی از اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های تروریستی که دولت خارجی از آن‌ها حمایت نموده و یا اجازه اقامت یا تردد و یا فعالیت در قلمرو حاکمیت خود به آنان داده باشد و اقدامات مذکور منجر به فوت یا صدمات بدنی و روانی و یا ضرر مالی اتباع گردد. تبصره ۱: دعاوی موضوع این قانون که منشأ آن قبل از تصویب این قانون بوده، قابل طرح و رسیدگی می‌باشد. تبصره ۲: چنانچه دولت‌های دیگر در اجرای احکام ناقص مصونیت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن مساعدت و همکاری نمایند، مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

همچنین در قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های

۷- رسیدگی به اتهامات تروریستی در دیوان کیفری بین‌المللی
دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان اولین دادگاه دائمی بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ به‌منظور رسیدگی به جنایات بین‌المللی ارتكابی تشکیل گردید. درحقیقت تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری محصول تلاش‌هایی بود که پس از جنگ جهانی اول آغاز گردید. اولین گام درجهت محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی در معاهده ورسای ۱۹۱۹ برداشته شد، براساس این معاهده و **ویلهم دوم** حاکم آلمان به‌دلیل ارتكاب برخی جرایم می‌بایست محاکمه می‌گردید، لکن وی به هلند پناهنده شد و هلند نیز وی را مسترد نکرد تا این‌که در سال ۱۹۴۱ درگذشت. پس از جنگ جهانی دوم اندیشه یک دیوان بین‌المللی با صلاحیت کیفری مجدداً قوت گرفت و دو دادگاه نورنبرگ و توکیو به‌منظور رسیدگی به جنایات سران و فرماندهان نظامی آلمان و ژاپن تأسیس گردید. همچنین در ماده ۶ کنوانسیون رفع و از بین نسل‌کشی مورد پذیرش قرار گرفت که افراد متهم به ارتكاب جنایات نسل‌کشی می‌بایست به یک دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی ارجاع شوند (**اشکوری، ۱۳۸۲: ۸۶**).

بدین‌منظور در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی از کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته ویژه‌ای متشکل از نمایندگان دولت‌ها درخواست نمود که امکان تأسیس اینچنین دادگاهی را بررسی کنند. علی‌رغم تأکید هر دو مرجع مذکور بر مطلوب بودن تشکیل دادگاه این امر در عمل محقق نگردید. این جریان در کنوانسیون ۱۹۷۳ منع و مجازات جنایات آپارتاید نیز دنبال گردید (ماده ۵). کمیسیون حقوق بین‌الملل متعاقباً در سال ۱۹۹۱ پیش‌نویس قانون جنایات علیه صلح و امنیت بشری را تصویب نمود. به‌دنبال

سال‌های ۱۹۹۰، دیدگاه‌های مطرح‌شده در مورد صلاحیت دیوان بررسی می‌شود و صلاحیت دیوان نسبت به برخی جرایم خاص تروریستی که به حسب مورد منطبق با جرایم علیه بشریت و یا جرایم جنگی باشد، مورد بحث قرار می‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

۸- اسناد منطقه‌ای مبارزه با تروریسم

تاکنون معاهدات و کنوانسیون‌های منطقه‌ای در زمینه مبارزه با تروریسم شکل گرفته است که پرداختن به تمامی آن‌ها در حوصله این پژوهش نمی‌گنجد، لذا ضمن برشمردن این کنوانسیون‌ها می‌کوشیم توضیح مختصری پیرامون برخی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های منطقه‌ای ارائه کنیم. کنوانسیون اروپایی استراسبورگ در سرکوب تروریسم (۱۹۷۷) کنوانسیون اروپایی به‌منظور تسهیل استرداد مرتکبین جرایم تروریستی تهیه گردید. اعضای اتحادیه اروپا با هدف پیگرد و مجازات مرتکبین جرایم تروریستی کنوانسیون مزبور را به امضا رسانده‌اند. این کنوانسیون بدون این‌که تعریفی از تروریسم ارائه نماید اقدام به بیان برخی مصادیق این‌گونه جرایم در کنوانسیون‌های بین‌المللی که تا آن زمان آورده شده بود، نمود. ماده اول این کنوانسیون جرایمی که خارج از مقوله جرم سیاسی دانسته و کشورهای عضو را ملزم به پیگیری کیفری چنین اعمالی نموده است، بیان می‌کند. همچنین کشورهای عضو به‌منظور استرداد مجرمین نسبت به سیاسی‌نبودن آن‌ها و عدم ارتباط آن‌ها با جرایم سیاسی و عدم شناخت آن‌ها به جرایمی که با انگیزه سیاسی تعهد نموده‌اند. علاوه بر این اقدام به ذکر جرایم مورد نظر در کنوانسیون لاهه (۱۹۷۰) و کنوانسیون مونترال (۱۹۷۱) و همچنین کنوانسیون مقابله با جرایم ارتكابی بر ضد اشخاص برخوردار از مصونیت بین‌المللی (۱۹۷۳) نموده است. آن‌ها براساس اعمالی همچون ربودن، گروگان‌گیری و بازداشت غیرقانونی و جرایمی که در آن‌ها از بمب، سلاح‌های جنگی و بسته‌های پستی بمب‌گذاری شده استفاده شده و زندگی افراد را با خطر مواجه می‌کند را غیرقانونی اعلام نموده است. همچنین در این کنوانسیون شروع به جرم و شرکت در آن نیز جرم تلقی شده است (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۸).

نتیجه‌گیری

باتوجه به مباحث مطرح‌شده در این پژوهش، می‌توان در یک نتیجه‌گیری کلی موارد ذیل را به‌عنوان مهم‌ترین دستاوردهای این تحقیق برشمرد:

جنايات ارتكابی در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ در رواندا و بوسنی و هرزگوین شورای امنیت مبادرت به تأسیس دو دادگاه اختصاصی بین‌المللی کیفری کرد (دادگاه یوگسلاوی و دادگاه رواندا). در سال ۱۹۹۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل طرح تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری را تکمیل کرد و به مجمع عمومی ارسال داشت. مجمع نیز مبادرت به تأسیس دو کمیته‌ای جهت بررسی موضوع کرد که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ به فعالیت پرداختند. سرانجام نمایندگان تام‌الاختیار ۱۶۰ کشور جهان - از جمله ایران از تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۷۷ (۱۵ ژوئن ۱۹۹۸) تا ۲۶ تیرماه ۱۳۷۷ (۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸) در کنفرانس دیپلماتیک رم گرد هم آمدند تا پیش‌نویس اساسنامه‌ای را که برای تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی تدوین شده بود، بررسی و نهایی کنند.

حاصل بیش از یک‌ماه مذاکرات فشرده متن ۱۲۸ ماده‌ای بود که نمایندگان ۱۲۰ کشور بر آن مهر تأیید نهادند تا در صورت تصویب مجالس و مراجع داخلی آنان به عضویت قطعی این پیمان مهم بین‌المللی درآیند، بدین‌منظور، اساسنامه در ماده ۱۲۵ خود پیش‌بینی نمود که متن مورد توافق تا تاریخ ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰ برای امضا، مفتوح باقی بماند. در پایان این تاریخ ۱۳۹ کشور اساسنامه را امضا کرده بودند، اما تنها ۲۷ کشور آن را از تصویب نهایی گذارنده بودند، این درحالی بود که به‌موجب ماده ۱۲۶ لازم‌الاجرا شدن اساسنامه به تصویب (و نه فقط امضا) ۶۰ کشور نیازمند بود. یک‌سال و سه‌ماه بعد، در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۲ شمار کشورهای تصویب‌کننده اساسنامه از مرز ۶۰ کشور گذشت و باز مطابق همان ماده ۱۲۶، «نخستین روز ماه بعد از شصتمین‌روز»، یعنی روز اول جولای ۲۰۰۲، «۱۰ تیرماه ۱۳۸۱» لازم‌الاجرا شد (اشکوری، ۱۳۸۲: ۹۶).

اگرچه در پیش‌نویس اولیه اساسنامه مربوط به دادگاه بین‌المللی کیفری، صلاحیت رسیدگی به اعمال تروریستی گنجانده شده بود، اما در کنفرانس رم باوجود تأکید برخی کشورها، از آنجا تعریف قابل قبولی از تروریسم ارائه نشد، جرایم تروریستی در قلمرو صلاحیت مقررات ICC قرار نگرفت. گنجاندن تروریسم در صلاحیت اساسنامه دیوان به دلایل متعدد، طرفدارانی هم دارد، ولی تنظیم‌کنندگان اساسنامه در ابتدای تشکیل آن، نخواستند با پذیرش صلاحیت دیوان نسبت به این قبیل جرایم موقعیت دیوان را به خطر اندازند. در این مبحث ضمن ارائه تاریخچه‌ای مختصر از تروریسم و گزارشی از موقعیت کنونی تروریسم در سطح بین‌الملل و تفاوت شکل جدید تروریسم با تروریسم پیش از

رسمیت شناخته شده است. باتوجه به مشروعیت توسل به زور از سوی نهضت‌رهایی‌بخش، کمک نظامی دولت‌ها به نهضت‌های رهایی‌بخش که برای رهایی از یوغ استعمار به زور متوسل شده‌اند نیز منع نشده و در نتیجه حمایت از تروریسم به‌شمار نمی‌رود. دولتی که با این نهضت‌ها درگیر شده است نیز نمی‌تواند برای توجیه عملکرد خود به ماده ۵۱ منشور، یعنی دفاع مشروع استناد کند؛

۶- در بسیاری از کشورها، براساس اصل کلی، رسیدگی به اتهام‌های تروریستی، مانند سایر جرایم، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است، اما به دلیل اهمیت جرایم تروریستی و ارتباط آن‌ها با مسائل امنیتی، در حقوق بسیاری از کشورها در دادگاه‌های خاص، به‌ویژه دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود که این مسأله از جهات مختلف به‌ویژه از نظر مسائل مربوط به حقوق بشر، مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد و از جهتی، ممکن است برخی متهمان و مظنونان به جرایم تروریستی را که احیاناً بی‌گناه هستند، قربانی یک دادرسی غیرمنصفانه نماید؛

۷- جرایم خاصی از تروریسم ممکن است مصداق جرایم بر ضدبشریت باشد. براساس ماده ۷ اساسنامه دیوان، جرایم علیه بشریت عبارت است از اعمالی، از قبیل کشتار، انهدام و شکنجه که در یک سطح گسترده و یا حمله سیستماتیک باشد و یا در سطح گسترده انجام گرفته باشد؛

۸- باتوجه به مراجع حمایتی در ابعاد گوناگون درمانی و پزشکی، مادی، فرهنگی و رسانه‌ای، حمایت از قربانیان تروریسم در مهم‌ترین و سریع‌ترین شکل، باید به‌صورت حمایت‌های پزشکی و در گام بعدی در قالب درمان آسیب‌های روحی و روانی باشد و در بعد رسانه‌ای نیز حمایت از قربانیان تروریسم از اهمیت بسیاری برخوردار است. در حقوق ایران از بعد روان درمانی نسبت به قربانیان تروریسم و کاستن آسیب‌های روانی آنان پس از حوادث تروریستی، گام‌های لازم برداشته نشده است؛

۱۰- امروزه ملت‌ها و دولت‌ها با گروه‌هایی مواجه هستند که از هر وسیله ممکن برای جلب نظر دولت‌ها و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، دست به ترور می‌زنند. موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شود که قلمرو و محدوده عملیات گروه‌های تروریستی از مرزهای داخلی فراتر می‌رود و یا این که حمایت سیاسی و مالی دولت‌ها را در پشت خود دارد؛

۱- باتوجه به عناصر مشترک یادشده، در تعریف کلی از تروریسم می‌توان گفت: تروریسم عبارت است از به‌کارگیری اقدامات خشونت‌بار شدید و غیرقانونی، بر ضد جان و یا مال عموم شهروندان غیرنظامی یا بخشی از آنان و یا بر ضد دولت و یا تهدید به آن، به‌منظور ایجاد هراس عمومی؛

۲- در مقایسه میان تروریسم و محاربه می‌توان گفت در محاربه اخافه عمومی و به‌عبارت دیگر، قصد برهم‌زدن امنیت عمومی مورد نظر است و نه هراس شخصی و یا انگیزه سوءقصد به جان مقامات سیاسی، اما در صورتی که سوءقصد یا کشتن مقامات سیاسی هم، به قصد اخافه عمومی و برهم‌زدن امنیت عمومی باشد، از مصادیق محاربه خواهد بود، چون هم از سلاح استفاده شده است و هم قصد برهم‌زدن امنیت عمومی وجود دارد؛

۳- باوجود حق دفاع مشروع در اسلام برای حمایت از حقوق قربانیان ویژه که در درگیری‌های نظامی بیشتر آسیب‌پذیر هستند، یعنی زنان و کودکان، سالخورده‌گان و معلولان، مقررات و حقوق خاصی وضع شده است. به‌عنوان نمونه در حقوق اسلام، حتی آن دسته از زنان غیرمسلمانی که در درگیری نظامی هم شرکت دارند و با مردان نظامی هم‌دست هستند، به‌عنوان قربانی نگریده شده‌اند و از امتیازهای ویژه‌ای برخوردارند که سایر نظامیان مرد از این امتیاز برخوردار نیستند، از جمله این که تعرض و یا کشتن این دسته از زنان غیرمسلمان که در درگیری نظامی فعالیت دارند نیز جایز نیست، مگر در شرایط اضطراری، یعنی در شرایطی که زنان نظامی عملاً در درگیری نظامی وارد شده و جان مسلمانی را بالفعل به خطر انداخته باشند و به طریق اولی کشتن نوجوانان نابالغی که در جنگ با مسلمانان شرکت دارند، جزء در موارد ضروری، مجاز نخواهد بود؛

۴- گروه منافقین یک سازمان تروریستی با دارابودن ویژگی‌های یک فرقه مذهبی است که همین مسأله موجب می‌شود خطر خشونت و ترور در این گروه افزایش یابد. لازم است دولت نه‌تنها به فرزندان منافقین، بلکه به اعضا و هواداران فریب‌خورده این فرقه به‌ویژه زنان با دید قربانی نگریده و نگاه ارفاق‌آمیزی به آنان داشته باشد؛

۵- براساس مقررات کنوانسیون ژنو، درگیری‌های نظامی که در آن، مردم بر ضدسلطه استعمار و اشغال بیگانه و بر ضد رژیم‌های نژادپرست برای دفاع از حق خودمختاری مبارزه می‌کنند، به

- امین زاده، الهام، مفهوم دفاع مشروع در قبال تروریسم (پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۰)، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.

- انجمن ایران اینترنتینک، برای قضاوت تاریخ، چ ۱، [بی جا: بی نا]، تابستان ۱۳۸۳.

- آزمایش، سیدعلی، «تروریسم بین‌المللی» (خلاصه سخنرانی استاد دکتر آزمایش در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱، با تلخیص و اضافات دکتر عباس شیخ الاسلامی و دکتر علیرضا حجت زاده).

- آقایی، آرزو: تروریسم و تعریف آن، جامعه شناسی دین، ۱۵ مهر ۱۳۸۵ - سال دوم - شماره ۴۷

- توجهی، عبدالعلی، «اندیشه حمایت از بزه دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران».

- جعفری، حسن، کسب قدرت ارتقا یا انحطاط، سوئد: [بی نا]، فروردین ۱۳۷۵.

- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، چ ۱، قم: موسسه اسرا، ۱۳۷۵.

- حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره ای، گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما، انتشارات سروش، ۱۳۸۰.

- خواجه پیری، عباس: حقوق مدنی (۴)، موجبات مسؤولیت مدنی و آثار آن، انتشارات بین‌المللی الهدی،

- راستگو، علی اکبر، مجاهدین خلق در آینه تاریخ، چ ۱، هلند: چاپ آرnhem، بهار ۱۳۸۲.

- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، چ ۱، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴.

- رضوانی، علی، «نقض حقوق بشر در فرقه رجوی»، نامه ای به سازمان میدلایست شعبه آمریکا.

- ره پیک، سیامک، تحلیل تروریسم در نسبیت مفهومی امنیت و منافع ملی، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.

۱۱- با مطالعه اعمال و رفتارهای تروریستی و نیز ابزار مورد استفاده و آثار و میزان رعب و وحشت می‌توان تروریسم را به انواع گروه‌ها مانند تروریسم‌های مذهبی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... و یا به شیوه علمی‌تر به سایبر تروریسم، بیوتروریسم، تروریسم مالی، هسته‌ای و ... طبقه‌بندی نمود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

- ابراهیمی، نصرالله: دیوان کیفری بین‌المللی، وبلاگ تخصصی دانشجویان حقوق، ۱۳۷۷

- اردبیلی، محمد علی، مفهوم تروریسم، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

- استفان، حسن، گسستن بند و زنجیرها، ترجمه پروین جاجی: ایران پارس: دوم مارس ۲۰۰۸.

- استفانی، گاستون؛ ژرژ لواسور و بولوک برنار، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷

- اشکوری، سید عبدالمجید: انرژی اتمی، مجله فرهنگی - اجتماعی - سیاسی پویا، ۱۳۸۲

- اکتار، عدنان، تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، ترجمه نصیر صاحب خلق، چ ۱، تهران: ۱۳۸۴

- رهامی، محسن (با همکاری دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی و علی مراد حیدری)، جرایم بدون بزه دید، چ ۱، تهران: نشر میزان، زمستان ۱۳۸۷.
- سماک، محمد، «کلید فهم سیاست آمریکا»، ترجمه ابوذر یاسری، مجله موعود، ش ۴۵، مرداد ۱۳۸۳.
- سیسیلیانوس، لیون الکساندر، «مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایت بین‌المللی»، ترجمه دکتر سید علی هنجانی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- سینگر، مارگات تالر، فرقه‌ها در میان ما: نبرد مستمر بر علیه تهدیدات پنهانشان، ترجمه ابراهیم خدابنده، سینگلتون، درخصوص صدام، ترجمه سایت ایران اینترلینک، چ ۱، انگلستان: [بی نا]، ۲۰۰۳.
- شاملو، باقر، تفکیک بین تروریسم و جرایم سیاسی، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.
- شمس حائری، هادی، بن بست انحراف، چ ۱، تهران: موسسه کیهان، پاییز ۱۳۷۳.
- شوالریاس، آلن، زنده سوزانده شده به نام مارکس و محمد (تحقیقی بر مجاهدین خلق ایران)، ترجمه انجمن نجات، ویرایش مرکز تحقیقات تروریسم، [بی جا]: ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.
- شیایزری، کیتی، کریانگ ساک، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چ ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا: حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا: حقوق بین‌الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۴.
- عبداللهی، محسن و شافع، میر شهبیز: مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، دفتر پژوهش و اطلاع رسانی.
- فراستی، علی، مبارزه مسالمت آمیز: هم استرژ، هم تاکتیک، فرانسه: جنبش برای امنیت، عدالت و پیشرفت، بهمن ۱۳۷۵.
- فهمیم دانش، علی، «مسیحیان صهیونیست را بهتر بشناسیم، پیشگویی‌ها و آخرالزمان»، چ ۲، چ ۴، موعود عصر (عج)، تهران: ۱۳۸۴.
- فیلیزولا، ژینا، ژرار لیز، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی، چ ۱، تهران: مجد، ۱۳۷۹.
- قاسمی، حاکم: کنترل تسلیحات غیر متعارف: ضرورت‌ها و موانع، مجله سیاست دفاعی، سال دوم، شماره ۱، پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیک دانشگاه امام حسین ۷، زمستان ۱۳۷۲.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (ضمان قهری - مسئولیت مدنی)، چ ۳: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- کدخدایی، عباسعلی، دادگاه‌های نظامی مقابله با تروریسم، نقض آشکار حقوق بشر، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.
- کوشا، جعفر، حقوق قربانیان تروریسم، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.
- گریس، تدارک جنگ بزرگ، ترجمه خسرو اسدی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- لوران، اریک، بوش، ایران و بمب، ترجمه انجمن نجات، تهران - مجله جامعه شناسی دین، تروریسم و انواع آن، آرزو آقایی، شنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۵، سال دوم، شماره ۴۷.
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، چ ۲، [بی جا]: انتشارات دانشگاه تهران، [بی تا].
- مرعشی، سید محمدحسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، چ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۶.
- معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته ای در معرض سقوط، مسعود بنیانیان، سیاست خارجی، ۱۳۷۴.

- ملک محمدی نوری، حمیدرضا: مفاهیم تعلیق مخصصات و حالت نه چنگ و نه صلح در حقوق بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۲.

- ممتاز، جمشید، تروریسم و تفکیک آن از مبارزات آزادی بخش، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.

- منتظری، حسنعلی، حکومت دینی و حقوق انسان، چ ۱، قم: ارغوان دانش، ۱۳۸۷.

- موسوی بجنوردی، سید محمد، مسأله ترور و تروریسم از منظر اسلام، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.

- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور،: شرکت سهامی چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۱.

- میرمحمدصادقی، حسین، تروریسم رسانه ای، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.

- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چ ۳، تهران: نشر میزان، پاییز ۱۳۸۲

- نجفی اسفاد، مرتضی، بررسی اجمالی تروریسم در کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل هوایی، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.

- نجفی، علی حسین و حمیدهاشم بیگی، دانشنامه جرم شناسی، چ ۱، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

- نجیری، محمود، آرمگدون، ترجمه رضا عباس پور و قیس زعفرانی، تهران: هلال، ۱۳۸۴.

- هاشمی، سید حسین، ارتداد و آزادی، چاپ اول، ۱۳۸۴، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.